

روزنامه نیویورک تایمز روز دوشنبه (بیستم آوریل) مقاله ای به قلم محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان به چاپ رساند.

یادداشت محمد جواد ظریف در نیویورک تایمز؛



به گزارش اسپادانا، در این مقاله نیویورک تایمز تحت عنوان «پيامی از ایران» آمده است: ما پیشرفت مهمی در اوایل این ماه در سوئیس داشتیم. با پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل بعلاوه المان، بر سر پارامترهایی برای از بین بردن هر گونه تردید درباره ماهیت صرفاً صلح آمیز برنامه هسته ای ایران و برداشته شدن تحریم های بین المللی علیه ایران توافق کردیم. ما چنین امکانی را داریم که با شجاعت در مدیریت و جسارت در اتخاذ تصمیمات درست به بحران ساختگی فعلی پایان دهیم، تا بتوانیم به کارهای مهمتری که باید انجام شوند بپردازیم. در حال حاضر، "منطقه وسیع تر خلیج فارس" در ناآرامی به سر می برد. اکنون سوال اساسی در منطقه، ظهور و سقوط دولت ها نیست؛ بلکه موضوع اصلی اساس و بافت اجتماعی، فرهنگی و مذهبی است که در تمامی کشورهای منطقه با تهدید روبرو است. ایران با تکیه بر جمعیت مقاومی که همواره در مقابل زورگویی و اجبار استوار ایستاده و همزمان با بزرگ منشی و بزرگواری افقی های جدیدی از تعامل سازنده را براساس احترام متقابل به نمایش گذاشته، با موفقیت و سربلندی در میان طوفان ناآرامی ها و هرج و مرج های منطقه ای باثبات مانده است. با این حال نمی توانیم نسبت به ویرانی های عمیق اطرافمان بی تفاوت باشیم، چرا که تجربه به ما می گوید که بی ثباتی و ناآرامی مرزی نمی شناسد. ایران در مواضع خود همواره شفاف بوده است. گستره تعامل سازنده ایران در واقع گستره ای بسیار فراتر از مذاکرات هسته ای را فرا می گیرد. روابط خوب با همسایگان جزو مهمترین اولویت های ایران است. اعتقاد اساسی ما این است که موضوع هسته ای صرفاً به مثابه یک عارضه جانبی بوده و نمی تواند عاملی برای عدم اعتماد، تنش و بحران در نظر گرفته شود. با توجه به پیشرفت های اخیر در پیشگیری از این گونه عوارض جانبی، اینک زمان آن رسیده است که ایران و دیگر کشورهای منطقه به ریشه های اصلی بی اعتمادی و تنش در "منطقه وسیع تر خلیج فارس" بپردازند. ماهیت سیاست خارجی ایران جامع و فراگیر است. این یک انتخاب یا ترجیح صرف نیست بلکه به دلیل شناسایی عمیق این واقعیت است که جهانی شدن تمامی گزینه های جایگزین را منسوخ کرده است. هیچ چیز در سیاست بین الملل در خلا عمل نمی کند. امنیت نمی تواند به هزینه ناامن کردن دیگران به دست آید. در حقیقت هیچ ملتی نمی تواند به منافع خود دست یابد، بدون این که منافع دیگران را نیز در نظر گیرد. در هیچ نقطه ای از دنیا اهمیت این ساز و کارها مشهودتر از منطقه خلیج فارس نیست. همگی ما به یک ارزیابی هوشمندانه از پیچیدگی ها و واقعیت های درهم تنیده منطقه و اتخاذ سیاست هایی پایدار بر اساس آن و به منظور مواجهه با آنها نیاز داریم. مبارزه با ترور یک نمونه از این موارد است. هیچ کس نمی تواند با القاعده و خویشاوندان فکری اش نظیر به اصطلاح دولت اسلامی- که نه دولت است و نه اسلامی- در عراق مبارزه کند، در حالی که آنها را در یمن و سوریه به شکل موثری گسترش می دهد. حوزه های متعددی وجود دارد که ایران و دیگر کشورهای منطقه در آن منافع مشترکی دارند. تأسیس یک مجمع گفتگوی منطقه ای در خلیج فارس به منظور تسهیل تعاملات، موضوعی است که می بایست مدت ها قبل راه اندازی می شد. یمن یکی از موضوعات ضروری و فوری در میان فجایع جاری در منطقه ما یمن است. ایران یک رهیافت معقول و اجرایی برای حل این بحران دردناک و غیرضروری ارائه داده است. طرح چهار ماده ای ما خواستار آتش بس فوری، کمک های انساندوستانه برای غیرنظامیان یمنی، تسهیل گفتگو میان گروه های یمنی و تشکیل یک دولت فراگیر گسترده وحدت ملی است. در یک سطح وسیع تر، گفتگوهای منطقه ای می بایست بر اساس اصول مشترک پذیرفته شده جهانی و برخی اهداف مشترک صورت گیرد که مهمترین آنها عبارتند از: احترام به حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی تمامی کشورها؛ تغییرناپذیری مرزهای بین المللی؛ عدم دخالت در امور داخلی سایر کشورها؛ حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات؛ ممنوعیت تهدید یا استفاده از زور و ترویج صلح، ثبات، پیشرفت و سعادت در منطقه. یک گفتگوی منطقه ای می تواند کمک موثری به اشاعه درک مشترک و ارتباطات متقابل در سطوح مختلف دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی باشد و به توافق در طیف وسیعی از موضوعات شامل موارد زیر منجر شود: اقدامات اعتمادساز و امنیت ساز؛ مبارزه با تروریسم، افراط گرایی و فرقه گرایی؛ تضمین آزادی کشتیرانی و جریان آزاد نفت و دیگر منابع در خلیج فارس؛ و محافظت از محیط زیست منطقه. این گفتگوی منطقه ای می تواند همچنین در نهایت شامل ایجاد ساز و کارهای عدم تجاوز و همکاری های امنیتی منطقه ای گردد. در حالی که این همکاری ها باید به کشورهای مرتبط منطقه محدود گردد، می توان از چارچوب های

نهادی موجود برای گفتگوها و به ویژه سازمان ملل متحد استفاده نمود. دبیرکل ملل متحد نیز می تواند محیط بین المللی لازم را برای انجام این گفتگوها فراهم نماید. نقش منطقه ای سازمان ملل متحد قبلا در قالب قطعنامه (598) شورای امنیت که به پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۸ کمک کرد دیده شده است، می تواند به کاهش نگرانی و تشویش به ویژه نزد کشورهای کوچک تر؛ تأمین سازوکاری برای امنیت جامعه جهانی و رعایت منافع مشروع آن؛ و ایجاد ارتباط بین گفتگوهای منطقه ای با مسائلی که بطور ذاتی از مرزهای منطقه ای فراتر می روند کمک نماید. جهان نمی تواند بیش از این از پرداختن به ریشه های ناآرامی در "منطقه وسیع تر خلیج فارس" طفره برود. این فرصت یگانه ای است برای تعامل که نباید هدر برود.

برجسب ها: محمدجواد ظریف [1]